

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۸/۰۶/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کرمان

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

محتویات

۱ مقدمه واجب

۱.۱ تحریر محل نزاع

۱.۱.۱ لفظی نبودن بحث مساله مقدمه واجب

۱.۱.۱.۱ امکان لفظی طرح کردن بحث مقدمه واجب

۱.۱.۲ غیر مستقلات عقلیه بودن مساله مقدمه واجب

۱.۱.۳ تقسیم اول: مقدمه داخلیه و خارجیه

۱.۱.۳.۱ بیان اول: مقدمه نبودن مقدمات داخلیه

۱.۱.۳.۱.۱ خروج مقدمات داخلیه از محل نزاع به خاطر فقد

ملاک بحث

۱.۱.۳.۱.۲ خروج مقدمات داخلیه از بحث به خاطر وجود

مانع

۱.۱.۳.۱.۲.۱ عدم محذور داشتن اجتماع مثلین در احکام

شرعیه

۱.۱.۳.۱.۲.۲ مانع داشتن اندکاک

۱.۱.۳.۱.۲.۲.۱ مانع نبودن اختلاف رتبه برای

اندکاک

۱.۱.۳.۱.۲.۲.۲ مجال نداشتن تاکید و اندکاک در

محل بحث

موضوع: وجوب شرعی تفصیلی مقدمه واجب / تحریر محل نزاع / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث به این جا رسید که مرحوم بروجردی فرموده بود بحث مقدمه واجب از مبادی احکامیه است چون بحث از لوازم احکام است. استاد فرمود: بحث از ملازمه است و این بحث ملاک مساله اصولی بودن را دارد. (طریق برای استنباط حکم شرعی). مرحوم نائینی فرموده بود: باید بحث مقدمه واجب در اصول مطرح شود و یک مساله اصولی است. زیرا این مساله عام است. استاد فرمود صرف عام بودن موجب اصولی بودن نمی شود. بلکه باید در طریق استنباط حکم شرعی نیز قرار بگیرد. مرحوم خویی فرمود: مساله مقدمه واجب چون دارای حیث عام است، یک مساله اصولی است. استاد فرمود: اولاً به صورت عام مطرح نشده است و ثانیاً صرف عام بودن برای مساله اصولی شدن کفایت نمی کند. نکته بعدی که مطرح شد این بود که مساله مقدمه واجب یک مساله لفظی است یا عقلی؟ مرحوم آخوند به مرحوم صاحب معالم نسبت داده بود که ایشان قائل به لفظی بودن بحث مساله مقدمه واجب است. استاد فرمود چنین نسبتی از کلام صاحب معالم استفاده نمی شود.

۱. مقدمه واجب

۱.۱. تحریر محل نزاع

۱.۱.۱. لفظی نبودن بحث مساله مقدمه واجب

مطلبی که از بحث سابق باقی مانده است در مورد کلام مرحوم آخوند است. ایشان به صاحب معالم اشکال کرده است [۱] که بحث نمی تواند لفظی باشد. زیرا وقتی که ثبوتاً هنوز اشکال وجود دارد و حل نشده است جایی برای تمسک به مقام اثبات نیست. اول باید ثبوت بحث شود که آیا ملازمه هست یا نیست؟ در کفایه فرموده است که این بحث را نمی توان لفظی مطرح کرد و نمی توان در مقام اثبات بحث کرد چون مقام ثبوت هنوز حل نشده است.

۱.۱.۱.۱. امکان لفظی طرح کردن بحث مقدمه واجب

اختلافی در تمسک به اطلاق بین مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آخوند وجود دارد. مرحوم شیخ فرموده است در جایی می توان تمسک به اطلاق کرد که امکان اطلاق محرز شده باشد. بعد از اثبات امکان، نوبت به تمسک به اطلاق در مقام اثبات می رسد. مرحوم آخوند جواب داده است که اگر شک شود که

آیا اطلاق حکم ممکن است یا نه، باز هم تمسک به اطلاق می‌توان کرد. از طلاق، کشف امکان اطلاق می‌شود. نظیر این مطلب در این جا نیز جاری است. هر چند که ملازمه ثبوتاً محل کلام است و روشن نیست ولی اگر لفظ دلالت التزامی داشت و مقام اثبات تمام بود، کشف می‌شود که ثبوتاً هم ملازمه وجود دارد. برای تمسک به مقام اثبات نیازی به روشن کردن مقام ثبوت نیست. از امر به ذی المقدمه کشف می‌شود که امر به مقدمه هست پس معلوم می‌شود که در عالم ثبوت هم ملازمه وجود دارد.

۱.۱.۲ غیر مستقلات عقلیه بودن مساله مقدمه واجب

بحث مقدمه واجب از مباحث عقلیه علم اصول است. مباحث عقلیه را به دو قسم تقسیم کرده اند:

۱. مستقلات عقلیه: مباحثی که نیاز به مقدمه شرعیه ندارد. مانند ظلم قبیح است یا عدل حسن است که نیاز به مقدمه شرعی ندارد

۲. غیر مستقلات عقلیه: مباحثی که نیاز به مقدمه غیر عقلی دارد. مانند بحث مقدمه واجب. اول نیاز به صدور امری از شارع هست تا بحث مقدمه واجب رخ دهد. همچنین بحث هل النهی یقتضی الفساد؟ (بنا بر این که این بحث عقلی باشد) نیاز به صدور نهی از شارع و جود دارد تا این بحث وجود ملازمه وعدم وجود ملازمه به وجود بیاید.

بعد از این که مرحوم آخوند شان این مساله را بیان کرد و فرمود بحث مقدمه واجب از مسائل عقلیه علم اصول است، وارد در بیان یک سری تقسیماتی شده است. کانّ می‌خواهد بیان کند که منظور از مقدمه واجب چه نوع مقدمه و چه نوع واجب و چه نوع وجوبی است؟ سه نوع تقسیم را مرحوم آخوند مطرح کرده است. (اقسام مقدمه و اقسام واجب و اقسام وجوب)

۱.۱.۳ تقسیم اول: مقدمه داخلیه و خارجیه

مقدمه به مقدمه داخلیه و خارجیه تقسیم می‌شود. مقدمه خارجیه مقدمه است که خارج از واجب است. مانند وضو برای نماز. همه شرائط از نوع مقدمات خارجیه است. (تقید جزء و قید خارجی) مقدمه داخلیه مقدماتی هستند که قوام واجب به آن ها است و داخل در واجب است. قدر متیقن از محل بحث بودن، مقدمات خارجیه است. آیا مقدمات داخلیه هم محل بحث است یا نه؟ مشهور این است که مقدمات داخلیه خارج از بحث است. برای خروج سه بیان ذکر شده است.

۱.۱.۳.۱ بیان اول: مقدمه نبودن مقدمات داخلیه

مقدمات داخلیه حقیقتاً مقدمه نیستند. بلکه عین واجب هستند. مرحوم محمد تقی (صاحب کتاب هدایه المسترشدين) فرموده است که مقدمه داخلیه ما نداریم. مقدمیت، اقتضای اثبیت دارد. یک مقدمه داریم و یک ذی المقدمه داریم. اجزاء عین ذی المقدمه هستند پس مقدمیت برای اجزاء داخلیه معقول نیست. این که حمد مقدمه نماز باشد، معنا ندارد.

مرحوم شیخ در مطارح فرموده است: [۲] برای اجزاء داخلیه مقدمیت تصویر دارد. هر چند واقعا عینیت بین اجزاء و کل هست ولی اجزاء را به دو اعتبار می‌توان سنجید. اگر جزء، لا بشرط فرض شود عین کل است ولی اگر بشرط لا فرض شود، یک چیزی مغایر آن‌ها فرض شود، مقدمیت معنا دارد و غیر از کل است. پس با اعتبار، مقدمیت تصویر دارد.

مرحوم آخوند [۳] بیانی برای تصویر مقدمیت دارد که در حقیقت مرحوم شیخ را هم رد کرده است. مقدمیت را می‌توان با اعتبار تصویر کرد اما نه به نحوی که مرحوم شیخ فرموده است بلکه به این بیان که اگر جزء لا بشرط فرض شود عین کل نیست و غیر است بلکه با کل جمع می‌شود. اگر بشرط شیء فرض شود عین کل است. این که جزء را به شرط لا فرض کنیم (که مرحوم شیخ می‌فرمود) درست نیست. جزء اگر به شرط لا فرض شود که اصلاً جزء نیست. مثلاً تکبیر اگر به شرط لا فرض شود اصلاً جزء نیست. پس باید این گونه کلام مرحوم شیخ تصحیح شود که اگر خود جزء را ببینیم غیر از کل است و اگر جزء را با کل ببینیم عین کل است.

بعد بحثی به وجود آمده است (و مرحوم اصفهانی پیگیری کرده است) و آن این است که آیا می‌توان مقدمیت را با اعتبار تصویر کرد یا نه؟ این بحث تطویل است و ما آن را ادامه نمی‌دهیم.

این که مرحوم شیخ بحث بشرط لا را مطرح کرده است شاید منشا اشتباهش یک مطلب فلسفی بوده است که در هیولا و صورت مطرح شده است. گفته اند که فرق اجزاء تحلیلیه (جنس و فصل) با اجزاء خارجیه (هیولا و صورت) این است که اجزاء تحلیلیه لا بشرط هستند و اجزاء خارجیه بشرط لا هستند. در این جا نیز بحث از اجزاء خارجیه است. البته اجزاء خارجیه در مقابل اجزاء تحلیلیه. هر چند که مقدمه داخلیه هستند اما در مقابل اجزاء تحلیلیه هستند. در حالی که این مطلب فلاسفه ربطی به بحث ما ندارد. در بحث مشتق گذشت

که فلاسفه که می‌گویند اجزاء تحلیل‌ه لا بشرط هستند مرادشان این است که لا بشرط از حمل هستند و با مرکب مقایسه نکرده بودند. اجزاء خارجی را که گفته بودند بشرط لا هستند مرادشان بشرط لا از حمل است. در بحث فلسفی، لا بشرط و بشرط لا یک معنا دارد در این جا معنای دیگری دارد. در این جا با مرکب و کل ملاحظه می‌شود. یعنی لا بشرط است نسبت به سائر اجزاء و بشرط انضمام سائر اجزاء. در این جا صحیح این است که گفته شود مقدمیت را اگر لا بشرط فرض کنیم با کل غیریت دارد و اگر بشرط انضمام فرض شود عین کل است.

۱.۱.۳.۱.۱ خروج مقدمات داخلی از محل نزاع به خاطر فقد ملاک بحث

مرحوم آخوند فرموده است [۴] که مقدمیت درست است اما مقدمات داخلی خارج از بحث هستند چون ملاک وجوب مقدمه را ندارند. ملاک وجوب مقدمه توقف است. وقتی مولا امر به شیء کرد و التفات به یک سری مقدمات داشت، مقدمات را اراده کرده است. اساس اراده مقدمات، التفات به توقف است. در مقدمات داخلی توقف نیست. چون یک وجود بیشتر نیست. پس وقتی نماز واجب شد دیگر معنا ندارد که توقف بر اجزاء داشته باشد. همان اجزاء واجب شده است. پس منشا خروج مقدمات داخلی، ملاک نداشتن است. نه این که مقدمیت برای آن‌ها تصویر ندارد. این مطلب مرحوم آخوند متین است.

۱.۱.۳.۱.۲ خروج مقدمات داخلی از بحث به خاطر وجود مانع

مرحوم آخوند در متن یا هامش کفایه فرموده است به خاطر وجود یک مانعی در وجوب مقدمات داخلی خارج از محل بحث هستند. مانع، اجتماع مثلیین است. وقتی شارع نماز را به وجوب نفسی واجب کرد دوباره اگر بخواهد همین اجزاء وجوب غیری داشته باشد، اجتماع مثلیین است و اجتماع مثلیین محال است. امکان ندارد که اجزاء وجوب غیری داشته باشد.

۱.۱.۳.۱.۲.۱ عدم محذور داشتن اجتماع مثلیین در احکام شرعی

مرحوم نائینی فرموده است که اشکالی ندارد که در احکام شرعی اجتماع مثلیین لازم بیاید. نهایتش این است که اجزاء تأکید پیدا می‌کنند و اندکاک پیدا می‌کنند. نظیر این که نماز ظهر وجوب نفسی دارد و در عین حال وجوب مقدمی هم برای نماز عصر داشته باشد. نماز ظهر که مقدمه خارجی هم هست که در مقدمات خارجی شما قائل به وجوب هستید. پس نماز ظهر واجب نفسی و غیری دارد. لذا هیچ محذوری از جانب اجتماع مثلیین به وجود نمی‌آید.

۱.۱.۳.۱.۲.۲ مانع داشتن اندکاک

مرحوم آغا ضیاء فرموده است که ادعای مرحوم نائینی درست نیست. قیاس محل کلام به نماز ظهر قیاس مع الفارق است. ایشان فرموده است که ما قبول داریم نماز ظهر هم وجوب نفسی دارد و هم وجوب غیری دارد و عیبی ندارد. اما این مطلب در واجب نفسی و اجزاء جاری نیست. زیرا اجزاء اگر وجوب غیری داشته باشد در رتبه بعد از وجوب نفسی است. وجوب غیری ترشح از وجوب نفسی. اول ذی المقدمه را اراده کرده است و التفات به مقدمه داشته باشد بعد مقدمه را اراده کرده است. پس وجوب غیری موخر از وجوب نفسی است. چون وجوب غیری موخر از وجوب نفسی است، اندکاک و تاکید معنا ندارد. بر خلاف مثالی که مرحوم نائینی مطرح کرد. زیرا از نماز ظهر وجوب غیری ترشح پیدا نکرد. اول نماز ظهر را واجب کرد بعد نماز عصر را واجب کرد و بعد فرمود شرط نماز عصر، خواندن نماز ظهر است. در حقیقت وجوب غیری از وجوب نماز عصر ترشح پیدا کرد نه از وجوب نماز ظهر.

پس حق با مرحوم آخوند است اما نه به خاطر این که اجتماع مثلین محال است بلکه از این جهت درست است که در این جا مجالی برای اندکاک نیست. اگر جای اندکاک بود حق با مرحوم نائینی بود. اما چون جای اندکاک نیست پس حق با مرحوم آخوند است.

۱.۱.۳.۱.۲.۲.۱ مانع نبودن اختلاف رتبه برای اندکاک

مرحوم خوئی [۵] از مرحوم نائینی دفاع کرده است و فرموده است یکی از خصائص و لوازم مرحوم آغا ضیاء اختلاف رتبه است. اختلاف رتبه را مرحوم خوئی در شریعات انکار کرده است. اختلاف رتبه برای فلسفه است. مثلاً اگر کسی فعل مستحب را نذر کند، وجوب وفای به نذر در رتبه متاخر از مستحب است. اول باید مستحب باشد تا وجوب وفای به نذر بیاید. اما وقتی کسی که نذر می‌کند، وجوب وفای به نذر، در آن مستحب مندرک می‌شود و این گونه بیان می‌شود که یک وجوب تعبدی داریم. پس وجوب متاخر در مستحب متقدم مندرک شده است. در شریعت اختلاف رتبه نیست. مهم در اندکاک و تاکد این است که متعلق‌ها متحد باشد. هر چند که رتبه‌ها مختلف باشند. در این محل بحث متعلق وجوب غیری و نفسی وحدت دارند و آن کل نماز است در شریعت اختلاف رتبه اثر ندارد. همین که در یک زمان، در یک متعلق دو وجوب بیاید، تاکد و اندکاک پیش می‌آید. هر چند که رتبه‌ها مختلف باشند.

خلاصه بحث: مرحوم آخوند فرمود مقدمه داخلیه محل بحث نیست چون اجتماع مثلین لازم می‌آید ولی مرحوم نائینی فرمود در شرعیات اجتماع مثلین اشکالی ندارد و موجب اندکاک و تاکید می‌شود. مرحوم آغا ضیاء فرمود به خاطر اختلاف در رتبه اندکاک معنا ندارد. مرحوم خویی فرمود اختلاف رتبه در شرعیات اثر ندارد. ولی به نظر ما در خصوص مقام اندکاک معنا ندارد چون در خصوص مقام اختلاف رتبه مانع از اندکاک می‌شود.

-
- [۱] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۸۹.
- [۲] مطارح الانظار، الشیخ المرتضی الانصاری، ج ۱، ص ۴۰.
- [۳] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۹۰.
- [۴] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۹۰.
- [۵] محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج ۲، ص ۳۰۰.

